

ایران ورزش

چهره

لئونیداس، پادشاه سلسلائو

اسطوره‌ای که با پای برهنه

به دل تاریخ زد

فوتبال، آن‌گاه که هنوز در پوسته خامی از گل و سنگ فرو می‌رفت، شاهد درخشش پدیده‌هایی بود که امروز، در عصر ویرتین‌های درخشان و میلیون‌ها چشم دوخته شده به صفحه‌های تلویزیون، تکرار آنها محال می‌نماید. یکی از معدود برگزیدگان آن دوران، بی‌گمان «لئونیداس داسیلوا» است؛ مهاجم شگرف و جسور سلسلائی برزیل که نامش با شور موسیقی سامبا و طنین پای لخت بر خاک فرانسه در جام جهانی ۱۹۳۸ گره خورده است.

مهاجم افسانه‌ای تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۳۸ فرانسه، با نمایشی خیره‌کننده و ثبت ۷ گل، به یکی از درخشان‌ترین چهره‌های آن دوره تبدیل شد. اما آنچه بیش از آمار گل‌هایش توجه‌ها را جلب می‌کند، روایت‌هایی است که از بازی کردن او با پای برهنه در برخی لحظات مسابقه نقل شده است؛ روایتی که او را به نمادی از فوتبال ناب و بی‌پیرایه بدل کرده است. در آن روزها که فوتبال هنوز طعم مهندسی مدرن را نچشیده بود و زمین‌ها هر صبح با باران شنب‌پیش، تبادر و گل‌آلود بودند، لئونیداس همچون روحی نازام باشد. نقل است در اوج یکی از دشوارترین مسابقات، وقتی کفش‌های سنگین و دانه‌دانه، پای او را زاندازی کرده بودند و هر گام چون راندن گاوآهن در شالیزار بود، ناگهان در میان حیرت‌تماشاکران و بازیکنان، آن دو کفش مزاحم را از پا بیرون کشید و رها کرد. آن‌گاه به پای برهنه، همچون کودکی که برای اولین بار به چمنزار نو رسیده باشد، دوید، دریل زد و شوت کرد. این تک‌حرکت، پیش از هر تاکتیک خشک دفتری، اعتماد به نفسی را نشان می‌داد که امروزه در بین فوتبالیست‌های میلیاردی هم دیده نمی‌شود.

اما لئونیداس تنها مرد پای برهنه نبود؛ او معمار یکی از تماشایی‌ترین ضربات تاریخ فوتبال است: «فیچی برگردان». حرکتی که در آن روزگار، کفرآمیز و شاعرانه به شمار می‌رفت و بعدها به امضای محرمانه مهاجمان نراز اول بدل شد. سرعت برق‌آسا، چابکی گربه‌سان و نبوغ بی‌نظیر او، خطوط دفاعی تیم‌های آن دوران را به تسلیمی وامی‌داشت.

جام جهانی فرانسه، اوج شکوه این پدیده بود. لئونیداس با ۷ گل، کلاه طلایی آقای گلی را بر سر نهاد و تیمش را تا آستانه نیمه‌نهایی پیش راند. برزیل آن سال جام را به خانه نبرد، اما لئونیداس نام یک ملت را برای همیشه در الواح زرین تاریخ کنده‌کاری کرد. شاید ماجرای بازی با پای برهنه در گذر زمان، با افسانه‌ها و مبالغه‌های روابان پرشور آمیخته باشد؛ ولی چه باک؟ این داستان‌ها بخشی از میراث جاودانه مردی است که نشان داد می‌توان بیرون از جعبه تکنولوژی، تنها با تکیه بر ذات فوتبال، یعنی شادی، آزادی و شورمندی، جهانی را حیرت‌زده کرد.

سوژه

قمار اشتباه

وقتی برزیل، لئونیداس را به تماشا نشاند

جام جهانی ۱۹۳۸ فرانسه، برای برزیل بهاری زودهنسگام را تداعی می‌کرد. تیمی که با بازی‌های روان و گل‌های تماشایی لئونیداس داسیلوا، استاد بی‌همتای فیچی برگردان، همه را به وجد آورده بود. برزیل نه تنها برای قهرمانی، که برای به رقص درآوردن توپ در مقابل چشمان حیرت‌زده اروپا آمده بود. اما درست در آستانه نیمه‌نهایی، در مصاف با ایتالیای فاشیست، کادر فنی برزیل دست به قماري زد که نامش برای همیشه در زمره بزرگترین اشتباهات تاریخ فوتبال ثبت شد: لئونیداس روی نیمکت. استدلال سرمربیان برزیلی، روی کاغذ، منطقی جلوه می‌کرد: «ستاره را برای فینال نگه داریم.» خستگی مسابقات، فشار بازی‌های پایانی و آن همه دوندگی بی‌امان در زمین‌های گل‌آلود فرانسه، بیانه‌ای بود تا مهاجم بی‌همتا را به استراحت فراخوانند. کویی که فینال از پیش تضمین شده بود و ایتالیا تنها یک مانع کوچک در میان راه. اما فوتبال، آن بازی سرکش و پیش‌بینی‌ناپذیر، هرگز به قول‌های روی کاغذ وفا نمی‌کند. برزیل بدون لئونیداس پای به پای میدان گذاشت. همان تیمی که تا آن‌روز چون شعله‌ای بر خرم‌زار دفاع حریفان می‌جید، ناگهان خاموش و سرد شد. در خط حمله، جنب و جوشی نبود؛ آن شور و ولع همیشه‌گی در بازی‌های برزیل، این بار جایی نداشت. سلسلائی بی‌روح راه می‌رفت، گویی شمشیرش را در رگاب فراموش کرده بود. در سوی دیگر میدان، ایتالیای موسولینی با چشمانی باز و قلبی سنگی، بی‌درنگ از این غفلت سود برد. آنها بازی را چرخاندند، فشار آوردند و سرانجام دروازه برزیل را گشودند. در آن سوی نیمکت، لئونیداس نظاره‌گر بود؛ تماشاگری ناخواسته در مصیبت‌نامه‌ای که برای تیمش رقم می‌خورد. گل‌ها یکی پس از دیگری زده می‌شد، اما این بار نه از پای او. برزیل باخت؛ نه به خاطر کمبود استعداد، بلکه به خاطر توهمین به اصل طلایی فوتبال: «فردا از فدای امروز مکن.» این بازی، از آن دست حکایت‌های تلخ تاریخی است که همچنان بار نه‌دوره از جام جهانی، مثل روحی سسزگردان شانه مریبان جسور و خوشبین می‌نشیند. قمار برای فینال، حسرت آیدی به جا گذاشت. برزیل آن روز نه تنها جام را از دست داد، بلکه درسی ماندگار به تمام نسل‌های آینده داد: «هیچ بازی بعدی را بر بازی پیشین ترجیح مده؛ چه بسا که آن بازی بعدی، هرگز فرا نرسد.»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری:** مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول:** علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه:** هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی:** علی جوادی
- تلفن:** ۰۲۱۳۰۴۱۱۳۰۱۳ - **نمابر:** ۰۲۱۳۰۴۷۱۱۳۳
- چاپ:** چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان ناگه‌ها:** ۱۸۷۷ - ۰۲۱۳۰۰۱۳۰۰۰ ۸۸۷۴۶۳۸
- امور مشترکین:** ۰۲۱۳۰۰۱۳۰۰۰ ۸۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی:** تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- مستدوق پستی:** ۰۳۳۸-۱۵۸۷۵

آخرین جشنواره فوتبال قبل از فاجعه جنگ جهانی

جام غایبان بزرگ

گزارش یک

محمدرضارحیم‌پور

خیرنگار

سومین دوره مسابقات جام جهانی روز ۳۰ خرداد ۱۳۱۷ (۱۹ ژوئن ۱۹۳۸) در ورزشگاه المپیک کلمب فرانسه به پایان رسید. تیم ملی ایتالیا با شکست مجارستان ۲ بر ۱، برای دومین بار بیایی عنوان قهرمانی جهان را از آن خود کرد. این دوره که تنها دو‌ماه پیش از آغاز جنگ جهانی دوم برگزار شد، سرشار از تنش‌های سیاسی، غیبت‌های بزرگ و حاشیه‌های فراوانش نشدنی است.

میزبانی فرانسه در سایه جنگ

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) میزبانی جام سوم را به فرانسه سپرد اما فضای اروپا به شدت ملتهب بود، آلمان هیتلری اتریش را ضمیمه خاک خود کرده بود و چکسلواکی نیز زیر تیغ تجزیه قرار داشت. با این حال، فیفا تصمیم گرفت مسابقات را طبق روال پیش‌پیش ببرد. برخلاف دوره قبل که به دستور موسولینی ورزشگاه‌ها از نو ساخته شده بودند، فرانسوی‌ها از ورزشگاه‌های موجود استفاده کردند و تنها ورزشگاه المپیک کلمب (کلمب، حومه پاریس) میزبان فینال بود.

غیبت‌های بزرگ

اتریش که یکی از قدرت‌های فوتبال اروپا بود و در دوره قبل به نیمه‌نهایی رسیده بود، پس از الحاق به آلمان نازی از شرکت در مسابقات منع شد. این در حالی بود که اتریش در مرحله مقدماتی موفق به صعود شده بود و سهمیه آن به آلمان داده نشد؛ بلکه گروه چهار تیمی بدون اتریش با سه تیم باقی ماند. از دیگر غایبان بزرگ، اسپانیا بود که درگیر جنگ داخلی شده و تیم ملی‌اش امکان سفر به فرانسه را پیدا نکرد. همچنین آرژانتین و اروگوئه به‌نشانه اعتراض به اینکه میزبانی دوباره به اروپا داده شده، از مسابقات کناره‌گیری کردند (اروگوئه برای دومین بار بیایی غایب جام بود). در مجموع به جای ۱۶ تیم، ۱۵ تیم در جام حضور یافتند.

سیاست حذفی و ورود مستقیم میزبان و مدافع قهرمانی

برای اولین بار، تیم میزبان (فرانسه) و تیم مدافع قهرمانی (ایتالیا) بدون نیاز به شرکت در مسابقات مقدماتی، مستقیماً به مرحله نهایی راه یافتند. این رویه تا سال ۲۰۰۲ ادامه داشت. مسابقات همچون دوره قبل به صورت تک‌حذفی برگزار شد و در صورت تساوی بین از ۱۲۰ دقیقه، بازی تکراری انجام می‌گرفت.

خلاصه نتایج مهم:

*دور اول (یک هشتم نهایی): سوئد ۰-۰ کوبا

خبری از مرحله گروهی نبود

یک نکته جالب درباره جام جهانی ۱۹۳۸ این است که ساختار مسابقات کاملاً با امروز متفاوت بود. در آن دوره، تقریباً تمام رقابت‌ها به صورت حذفی (ناک‌اوت) برگزار می‌شد و هیچ مرحله گروهی به شکل امروزی وجود نداشت. یعنی تیم‌ها از همان ابتدا در صورت شکست، از

رقابت‌ها حذف می‌شدند و فرصت جبران در قالب بازی‌های گروهی را نداشتند.

این موضوع باعث می‌شد هر بازی اهمیت بسیار بالایی داشته و احتمال شکستی‌ها و حذف تیم‌های قدرتمند خیلی بیشتر باشد. به همین دلیل، برخی تیم‌های بزرگ خیلی زود از مسابقات کنار رفتند و



قرار گرفت. ایتالیا با هدایت ویتوریو پوتسو (سرمربی‌ای که هر دو جام را برد) نشان داد که فوتبال این کشور در آن سال‌ها از نظر تاکتیکی و روحیه تیمی جلوتر از رقباست. با این حال، سایه سنگین نظم بین‌المللی دوم بود. میزبانی فرانسه هرچقدر از نظر فنی موفق بود، اما تحت‌الشعاع تحولات سیاسی و غیبت تیم‌های قدرتمندی مانند اتریش، اسپانیا و تیمی از آمریکای جنوبی تاریخ مدرن بود.

ایتالیای فاشیست استقبال کردند. این آخرین جام جهانی قبل از جنگی بود که جهان را شش سال در آتش خود سوزاند. جام جهانی ۱۹۳۸ آخرین رویداد ورزشی بزرگ پیش از فروپاشی نظم بین‌المللی بود. میزبانی فرانسه هرچقدر از نظر فنی موفق بود، اما تحت‌الشعاع تحولات سیاسی و غیبت تیم‌های قدرتمندی مانند اتریش، اسپانیا و تیمی از آمریکای جنوبی تاریخ مدرن بود.

چکسلواکی، دو بازیکن (یکی از هر تیم) اخراج شدند. اما نخستین اخراج تاریخ جام جهانی در این دوره ثبت شد. در بازی سوئد مقابل کوبا (۰-۸)، یک بازیکن کوبایی پیش از پایان نیمه اول از زمین بیرون رفت.

ادای احترام نازیسم
در میان تماشاگران فینال، مقامات بلندپایه آلمان نازی نیز حضور داشتند و از قهرمانی

👁️

جام جهانی

۱۹۳۸آخرین

رویدادورزشی

بزرگ پیش از

فروپاشی نظم

بین‌المللی بود.

میزبانی فرانسه

هرچقدر از نظر

فنی موفق بود

اماتحت‌الشعاع

تحولات سیاسی

وغیبت تیم‌های

قدرتمندی مانند

اتریش، اسپانیا و

تیمی از آمریکای

جنوبی قرار

گرفت

🏆

فینال: دستاورد پیاپی ایتالیا

فینال در حضور ۴۵ هزار تماشاگر در ورزشگاه

کلمب برگزار شد. ایتالیا با ترکیبی شامل

جووانی فراری (ستاره یوونتوس) و سیلویو پیولا

(اسطوره لاتزیو) به میدان رفت. مجارستان با

ستارگانی چون لاسلو کیش و گیورگی شاروشی

مقاومتی جانانه کرد. ایتالیا در نیمه اول ۳ بر ۱

پیش افتاد و در نیمه دوم گل چهارم را نیز به

ثمر رساند. پیولا فراری هرکدام دو گل زدند.

این اولین و تاکنون تنها باری است که تیمی دو

دوره پیاپی قهرمان جام جهانی می‌شود (ایتالیا

و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۸؛ بعدها برزیل در ۱۹۵۸ و ۱۹۶۲ این

رکورد را تکرار کرد).

👁️

آقای گل و نکات آماری

لئونیداس داسیلوا (برزیل) با ۷ گل زده عنوان

آقای گل مسابقات را به دست آورد. در مجموع

۱۸ بازی برگزار شد و ۸۴ گل به ثمر رسید

(میانگین ۴٫۶۶ گل در هر بازی). تماشاگران

کل مسابقات ۳۷۵ هزار نفر برآورد شده‌اند.

👁️

سایه‌سنگین

جنگ جهانی

دوم باعث شد

که جام بعدی

تا ۲۲ سال بعد

(۱۹۵۰ در برزیل)

برگزار نشود.

جام ۱۹۳۸ پایان

یک دوره و آغاز

تاریک‌ترین

فصل تاریخ

مردن بود



باشد. در همین راستا هم تحقیقات بیشتر از جانب مقامات نازی متوقف شد. در آن مقطع بسیاری بر این باور بودند که سیندلار به دلیل ایستادگی و اعتراض‌هایش کشته شد. مراسم خاکسپاری او با حضور ۲۰ هزار نفر برگزار شد و به گفته نویسنده رابین استامر، اولین و آخرین گردهمایی علیه نازی‌ها در وین بود. ماتیاس سیندلار نه تنها یک فوتبالیست بزرگ، بلکه نمادی از شجاعت و مقاومت اخلاقی بود. او با استعداد خدادادی خود، با تکنیک زیبای خود و با پایبندی به ارزش‌هایش در زندگی شخصی‌اش، نشان داد که ایستادگی در برابر ظلم می‌تواند حتی در کوچکترین میدان‌ها هم معنا پیدا کند. او ستاره‌ای بود که از دستور هیتلر سرپیچی کرد و در نهایت، قلب هواداران فوتبال و تاریخ مقاومت انسانی جاودانه مانده است.

تیم ملی آلمان، عملاً مقابل یکی از خطرناک‌ترین رژیم‌های تاریخ ایستاد. بعد از این مقاومت، او زندگی ساده‌تری را در پیش گرفت و با خرید یک کافه، خود را از هیاهوی سیاسی دور کرد و به زندگی دیگری روی آورد. بسیاری از مشتریان او یهودی بودند و این باعث شد که توجه گشتاپو را به خود جلب کند. با این حال، سیندلار هرگز روابط خود با دوستان یهودی‌اش را مخفی نکرد و به صورت آشکار و بی‌پروا به حمایت از آنها ادامه داد. موضوعی که به مذاق دولت آلمان، تیم ملی این کشور و آلمان همسرسر کشید. ماتیاس سیندلار، اما متأسفانه پس از جنگ جهانی ۱۹۳۸ فرانسه، جسد او و همسرش کامیلا کاستانگولا، در رژیم نازی است. سیندلار از آن هم شجاعت و اصول انسانی خود را به نمایش گذاشت. او با رد کردن دعوت‌های رسمی برای پیوستن به

پیامی کوتاه اما پرمعنا برای بازیکنان ارسال کرده بود؛ پیامی که به شکل نمادین با عبارت «پیروز شوید یا بمیرید» شناخته می‌شود. هرچند برخی مورخان درباره صحت دقیق این جمله تردید دارند، اما تردیدی نیست که فضای آن دوران آمیخته با فشار سیاسی و انتظارات شدید از سوی حکومت بود.

اما با این حال، ایتالیا فتح جهان کرد. آنها در فینال مجارستان را درهم کوبیدند و دومین جام جهانی متوالی را بالای سر بردند. موسولینی، با آن پوزخند همیشگی، پیروزی را آینه قدرت خویش خواند. اما امروز، سال‌ها پس از فروپاشی آن رژیم سیاه، داستان «نامه» بیش از آنکه یک واقعت تاریخی باشد، به نمثلی از تلافی زشت قدرت و ورزش تبدیل شده است.

فوتبال، آن بازی پاک و بی‌پیرایه، هرگز نتوانسته از چنگال سیاست بگریزد. جام جهانی ۱۹۳۸ فقط به خاطر گل‌هایش در خاطر نمانده بلکه به خاطر آن جملات تهدیدآمیز، آن نگاه‌های مبسوم از جایگاه ویژه، و آن وزنی که بر شانه‌های بازیکنان نشسته بود، همچنان در تاریخ می‌چرخد. چه نامه واقعت داشته باشد و چه افسانه‌ای بیش نباشد، حقیقت این است که در روزهای تاریک آن تورنمت، فوتبال از بازی بودن افتاد و تبدیل شد به صحنه‌ای برای نمایش و حشت.

و شاید همین، تلخ‌ترین روایت از زیباترین بازی جهان باشد.